

### موردی برای تامل و بحث: تشخیص های افتراقی

پسری 12 ساله توسط والدینش به نزد روانپزشک آورده شده است. نگرانی که مادر در مورد پسرش دارد این است که با اینکه پسرش در کلاس ششم درس میخواند هنوز نتوانسته برای خود دوستی پیدا کند. او بیشتر وقت خود را در کتابخانه یا در حال قدم زدن در حیاط مدرسه می گذراند. او دوستان چندانی نداشته و تنها سال گذشته پسری از همکلاسی هایش گاهی برای بازی با کامپیوتر به منزلشان می آمده است که به نوبت بازی می کرده اند.

مادر به یاد می آورد که آنها به ندرت با هم حرف می زدند و اگر هم صحبت مختصری پیش می آمد برای گفتگو در مورد جزئیات بازی بوده است و گاهی پسر وی دوستش را حین بازی ترک کرده و به اتاق دیگری می رفت. مادر می گوید که او به هنگام آسیب فردی از اعضای خانواده، به خوبی واکنش نمی دهد. برای مثال در زمان 9 سالگی فرزندش، سر مادر به گوشه ای تیز اصابت کرده بود و از شدت درد اشک می ریخت ولی پسر بدون اینکه هیجان خاصی از خود نشان دهد، فقط پرسید که "چرا چشمانت خیس شده است؟"

شرح حال مادر حاکی از آن است که پسرش مسائل درسی خود را به خوبی انجام میدهد و در درس های علوم و ریاضی جزو نمرات بالای کلاس است اگرچه بنا به اظهار معلم، مسائل ریاضی را آنگونه که خود می خواهد انجام می دهد و در مقابل اجرای روش معلم، مقاومت می کند. او به فن های الکتریکی علاقه خاصی نشان می دهد و کلکسیون بیلبورد 20 فن الکتریکی دارد. او همچنین درباره هواپیما اطلاعات زیادی دارد و می تواند با جزئیات و به مدت طولانی درباره انواع هواپیماهای ساخته شده در طول تاریخ صحبت کند. معلمش ذکر می کند که او گاهی جملات گفته شده را به طور تحت الفظی درک میکند و متوجه کنایه ها نیست. مثلا معلم یک بار که از بی توجهی دانش آموزان ناراحت شده بود، با عصبانیت داد زد که "پنبه را از گوشتان بیورید" و او نیز در حالی که دستش را به گوشش می برد در پاسخ به معلم جواب داد "آقا ما توی گوشمون پنبه نگذاشته ایم..."

اگر بچه ها برخلاف قوانین کاری انجام دهند، او معمولا به معلم می گوید و به همین علت، چندان محبوب نیست.

در سابقه وی تاخیری در شاخص های تکاملی حرکتی و کلامی وجود ندارد. مشاهدات ثبت شده توسط روانپزشک چنین است: تماس چشمی وی ضعیف است و هنگامی که پزشک از او سوالی می پرسد ، بیشتر به سمت مادرش برمیگردد و جواب میدهد. او به شکل مرتبی یک گرمکن بر تن دارد و نکته جالب توجه آنکه، زیپ یا دکمه ندارد. مادرش می گوید که او همچنین از مارک لباس خوشش نمی آید و مادر را مجبور می کند که آنها را بکند. او به خوبی نمی داند که چرا به نزد روانپزشک آورده شده است و می گوید خوشحال است و مشکل خاصی ندارد و وقتی در مورد دوستانش پرسیده شد، در پاسخ پسری دیگر، شیرفروش، پدربزرگش و معلم خود را نام می برد.

پس از مطالعه این مورد، لطفا برای ما بنویسید:

- 1) در مورد بیمار چه تشخیص های افتراقی مطرح است؟
- 2) چه علائمی به نفع یا ضرر هر یک از این تشخیص های افتراقی دارد؟
- 3) برای رد یا تایید هر یک از تشخیص های افتراقی توجه به چه نکاتی لازم است؟